

رهیافت امنیتی

آقا نورالله نجفی و شهید مدرس

تاریخ دریافت: ۸۵/۲/۲۸

تاریخ تأیید: ۸۵/۳/۱۸

رشید رکابیان*

مقاله حاضر دیدگاه مرحوم حاج آقا نورالله نجفی و شهید مدرس را در مورد دفاع از امنیت ایران مورد بحث قرار می‌دهد. پرسش اصلی این است که مرحوم حاج آقا نورالله نجفی و شهید مدرس در امنیت ملی ایران چه نقشی داشتند؟ نتیجه بررسی در جواب پرسش مذکور این است که مرحوم حاج آقا نورالله با تأسیس شرکت اسلامی و تأکید بر داشتن قوه حریه قوی در امنیت اقتصادی و نظامی ایران نقش عمده‌ای ایفا کرد. شهید مدرس با حضور در صحنه تحولات سیاسی اجتماعی ایران و مبارزه با بیگانگان و همچنین مبارزه با واگذاری امتیازات به بیگانگان همانند قرارداد ۱۹۱۹ و سیاست موازنه عدمی در امنیت سیاسی ایران نقش تعیین کننده‌ای داشت.

واژه‌های کلیدی: امنیت، تهدیدات ملی، منافع ملی، مدرس، حاج آقا نورالله.

حاج آقا نورالله و امنیت ملی ایران

مرحوم حاج آقا نورالله در سال ۱۲۸۷ قمری در شهر اصفهان به دنیا آمد. پدرش آیه الله محمدباقر نجفی (م ۱۳۰۱ ق) و او فرزند آیه الله شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب کتاب *هدایة المسترشدين*



بوده است.

او تحت تأثیر برادرش آیه الله محمد حسین نجفی قرار گرفت. او در نجف اشرف به تحصیل پرداخت، آن گاه به اصفهان برگشت و به مبارزات سیاسی خود علیه استبداد و بیگانگان پرداخت. مرحوم محمدحسن خان اعتماد السلطنه در مورد او می نویسد:

حاج آقا نورالله خلف الصدق حجة الاسلام حاج شیخ محمد باقر اعلی الله مقامه از اجله فقها و کبراء علما اصفهان است. پس از تکمیل مراتب فقاہت در نجف اشرف به مکه رفت و فریضه حج را انجام داد و به اصفهان آمد. فی التاريخ دو سال است که در تدریس و ترویج قرین اشتغال است.^۱

از قیام تنباکو در سال ۱۳۰۹ ق که حاج آقا نورالله پای در وادی مبارزات سیاسی نهاد و به نطق‌های مهیج و پرشور برای آگاهی مردم پرداخت تا مبارزات دوره پهلوی، در همه جا، همراهی دیانت و سیاست را سر داده است.

در هنگامه‌ای که استعمار هر چه بیشتر تلاش می‌کرد تا ممالک اسلامی و به خصوص ایران را در وادی تقلید بی‌قید و شرط از غرب بیندازد تا سنن و عقاید دینی خود را رها کند حاج آقا نورالله از پایگاه مرکز دینی اصفهان با حمایت مراجع تقلید، اصلاحاتش را با محتوای مذهبی ترکیب نمود و با تأسیس:

۱. شرکت اسلامی اصفهان؛
۲. مریض خانه اسلامی؛
۳. مدرسه اسلامی؛
۴. روزنامه اسلام؛
۵. اتحاد اسلام؛

مشروطه اسلامی و نهایتاً قیام و مهاجرت به قم همراهی دیانت و سیاست را عینیت بخشید. مبارزه با استعمار و استبداد داخلی و مقابله با هجوم گسترده فرهنگی، اقتصادی، سیاسی اجتماعی غرب در دیدگاه ایشان امری واجب شمرده می‌شد.

وی هم‌زمان با تحریم اقتصادی کالاهای خارجی به برچیدن نفوذ مدارس بیگانه نیز نظر داشت. و در گرماگرم مشروطه فریبکاری انگلستان در حمایت از مشروطه را رسوا ساخت و به شدت به سیاست بست‌نشینی در کنسولگری اجنبی تاخت. هشدار او به برخی متحصنین در سفارت انگلیس که رفع ظلم و عدالت خواهی را از بیگانه خواستار شده بودند چنین است:

حضرات متحصنین اگر رأی و میل ما را می‌خواهید و خیرخواه خود می‌دانید و اطاعت دارید، از

قنسلخانه بیرون بیاید و از هر جهت کمال اطمینان را داشته باشید و اگر میل دارید هر که از شما صدایش بزرگ تر و گنده تر است که مابین شما فریاد کند ما با این طیف کار نداریم خود دانید اطاعت او کنید.^۲

از نظر ایشان پناه به بیگانه، به منزله از دست دادن هویت مسلمانی است. آن غیرت و سربلندی که مسلمان باید داشته باشد با این عمل به بردگی او می‌انجامد.

مرحوم حاج آقا نورالله ریشه‌های عقب‌ماندگی مسلمانان را در رساله مقیم و مسافر در چند چیز خلاصه کرده است که عبارتند از:

۱. استعمار و بیگانگان؛

۲. نداشتن قوه حربیه قوی؛

۳. عدم اعتماد به نفس (چرا باید استعداد ما کمتر از آن‌ها باشد)، یعنی این که ما اعتماد به نفس

نداریم و فکر می‌کنیم غربی در شکم مادر آن فنون را یاد گرفته است، پس باید بیدار شد؛

۴. عدم اتحاد مسلمین.

حاج آقا نورالله وضعیت را این گونه بیان می‌کند:

امروز روزی است که اسلام غریب است و کفار اطراف مسلمین را احاطه نموده‌اند و درصدد تسلط و حمله بر مسلمانان هستند. بر تمام مسلمین واجب و لازم است که بذل مال و جان نموده و علم اسلام که حضرت خاتم الانبیاء و ائمه هدی (ع) با آن همه زحمت و مشقت بذل نفوس خود و مسلمین و اصحاب و اولاد خود نمودند و به هر وسیله که هست زحمات آن حضرت به هدر رود و کفر بر اسلام غالب شود. چرا باید این قسم باشد؟ چرا باید قوه حربیه ما از آنها کمتر باشد؛ چرا باید استعداد ما از آنها کمتر باشد؟ باید کاری کرد که ما هم مثل آنها قوی باشیم و استعداد آنها را پیدا کنیم تا بتوانیم حفظ علم اسلام بنماییم، آنها ملائکه نیستند قوه ملکوتی ندارند. با این شمشیرهای شکسته و آلات حربیه قدیمیه با آنها جنگ نماییم. البته مغلوب خواهید شد. ولی چنان چه که درصدد آلات حربیه جدیده برآییم و عموم مسلمین را به تعلیم علم جنگ دلالت بنماییم. عمّا قریب به درجه آنها خواهیم رسید. و اگر نتوانیم به بلاد کفر فائق بیاییم حفظ بلاد خود را توانیم کرد... باید مسلمین در کمال جد و اجتهاد در صدد جهاد و دفاع برآیند و دعا هم نکنند و بر خدا توکل بنمایند تا خداوند فتح و نصرت را نصیب آنها فرماید.^۳

از سخن حاج آقا نورالله چند نکته فهمیده می‌شود: اول، حفظ اسلام در هر شرایطی واجب است.

۱۵۵ حفظ اسلام مساوی از دست دادن جان و نفس مسلمان است. و دین بدون خونریزی حفظ نخواهد



شد. البته در دوره‌ای که تجاوز به بلاد مسلمین شده و می‌شود باید جان را فدای دین کرد و حفظ دین بدون خونریزی در این زمان مصداق پیدا نمی‌کند.

مسئله بعد این که هر لحظه، امکان حمله به مسلمین وجود دارد و هدف بیگانگان نابودی اسلام و مسلمین است پس باید خود را قوی کنیم. نیز به لحاظ تجهیزات نظامی باید به علم روز مجهز شد و در بالاترین سطح نظامی قرار گرفت.

هدف وی استقلال کشور در جمیع امور و قطع ایادی بیگانه از سوی دیگر بود. او می‌خواست به ایران و ایرانی و مسلمین هویت از دست رفته را عطا کند. و سرانجام در این راه هم شربت شهادت را نوشید.

آقا نورالله و امنیت اقتصادی

در قیام تنباکو، علما هم در تحریک قیام در شهرها نقش داشتند و شیخ فضل الله از محضر استادش میرزای شیرازی درباره موضوع تنباکو استفتا کرد و زمینه برای فتوا فراهم شده بود و شکست بزرگی را برای استعمار رقم زد. به دنبال این قضیه این اندیشه در ذهن حاج آقا نورالله و آقا نجفی شکل گرفت که می‌توان ابعاد این تحریم را به کالاهای دیگر گسترش داد. سپس جهت تحقق عینی این تحریم برای سازندگی و خودکفایی داخلی، برنامه‌ریزی و اقدام کرد. مبارزه و تحریم اجناس خارجی و نفی سلطه اقتصادی اجانب از طرفی و تلاش برای سازندگی و خودکفایی کشور از سوی دیگر، اساس مبارزه اقتصادی حاج آقا نورالله و برادرش را تشکیل می‌داده است.

حاج آقا نورالله می‌نویسد:

همین اعمالی که اسمش را تجارت و صنعت کرده‌ایم، اسباب فقر و فاقه دولت ما شده؛ چرا که تجار ما در واقع مزدور اجانب می‌باشند و به اجرت بسیار مختصری، به علت این که در سال، چندین هزار تومان ما را از طلا و نقره حمل به خارج می‌نمایند. و اجانب همین پول‌ها را اسباب محموله تجارت لایقه می‌نمایند. و سالی کرورها از مملکت ما جلب می‌نمایند. و در مقابل در سال چیزهایی که ابدأ از عین آن باقی نیست؛ از قبیل قند و چای و سایر مشروبات علاوه بر خسارات جانی، کلی ضرر مالی برای ما داشته. یا از قبیل اقمشه بوده، که محلوج آنها را یک من نه هزار الی یک تومان از مملکت ما برده... یا قدری کم و زیاد پارچه‌هایی مثل کارس و امثال آن داده‌اند. یا از قبیل ظروف و چراغ و سایر آلات چینی و بلور و غیره بوده که تماماً سر سال شکسته و به کلی از میان رفته، جز حسرتی برای ما باقی نمانده، پس معلوم شد که قسم تجارت دلّالی اجانب بوده و جان‌کندن برای تحصیل نفع آنهاست.^۴

مطالب بالا را حاج آقا نورالله زمانی گفت که استعمار در همه کشورهای جهان سوم منابع آنها را با نیروی کار ارزان از خود این کشورها تهیه و به کشور خودشان انتقال می‌دادند و مردم این ممالک در فقر به سر می‌بردند. این مسئله در ایران، قبل از قضیه تنباکو ایجاد شده بود و ادامه داشت و زمینه را برای نابودی اقتصادی ملی فراهم کرده بود. زمانی که انگلیسی‌ها و روس‌ها بازارهای ایران را پر از اجناس خودشان کرده و بدون این که حق گمرکی بپردازند سودهای کلانی نصیب آنان می‌شد و در واقع امنیت اقتصادی کشور را به مخاطره انداختند.

حاج آقا نورالله ناامنی را حس کرده بود، لذا خود و برادرش در تکوین، حرکت و استمرار شرکت اسلامی نقش اساسی را ایفا کردند.

این شرکت به تجار و کسبه هویت تجاری بخشید. به آنها روحیه تجارت بخشید. این شرکت در سال ۱۳۱۶ ق تأسیس شد. و تشکیلات آن در همه شهرها و بعضی کشورهای خارجی شعباتی را دایر کرد.

از مطالب او نکات زیر به دست می‌آید:

۱. عدم استقلال اقتصادی کشور، باعث فقر در جامعه می‌شود. به این معنا که باعث ناامنی می‌شود و مردم گرسنه می‌مانند و مجبور به غارت و دزدی می‌شوند و این زمینه ناامنی را ایجاد می‌کند. وقتی زمینه ناامنی ایجاد شد خود به خود هرچ و مرج ایجاد می‌شود و مردم یورش برده و امنیت دولت را از بین خواهند برد و این همان چیزی است که استعمار می‌خواهد؛

۲. حضور بیگانه در بازار مسلمین باعث از بین رفتن منافع ملی می‌شود. آنها با حضور خود در بلاد مسلمین منافع ملت را با قیمت ارزان به دست می‌آورند و به کشور خود منتقل می‌کنند و اقتصاد کشور خود را ترقی می‌دهند در حالی که اقتصاد کشور ایران وابسته خواهد بود.

در سخنان حاج آقا نورالله آمده است که:

باید اسباب تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت به قدر واردات باشد.^۵
 او می‌گوید نباید فقط وارد کننده باشیم بلکه باید صادر کننده هم باشیم. وقتی صادر کننده باشیم دنیا با نگاه دیگری به کشور ما نگاه خواهد کرد.

او باز می‌نویسد:

اشخاص نروند پول‌های خودشان را در بانک‌های خارجه از قرار صد و پنج بگذارند و در داخله پول نابود شود. باید طوری اطمینان داد تا رعایا به دولت قرض بدهند.^۶

اگر مسلمین دارای ثروت و مکنت شوند و تجارت و زراعت و فلاحات آنها ترقی کند و فقر و پریشانی آنها رفع شود، البته در کمال خوبی می‌توانند حفظ علم اسلام را نمایند.^۷



امروز بر ملت ایرانیه و حوزه اسلامیّه لازم و متحتم است که در رفع احتیاج از خارجه به قدر مقدور و اندازه میسور بکوشیم، یعنی لوازم زندگانی را از لباس و فرش و مبل و اسباب آلات و جنس خرازی از چاقو و مقراض و غیره تا آخرین درجه امکان از امتعه داخله خود استعمال نماییم و تا در مملکت خود اگرچه به اضعاف قیمت و خشن باشد در بند ظرافت نباشیم و از خارج تحریم این اقتصاد ملکی و ملی را از کار بندیم و سرمایه و نفوذ را به خارج نسپاریم.^۸ یکی از صنعت‌های قدیمه ایران نساجی است و اگر کارخانه ریسمان و نساجی داشتیم قهراً رفع حاجت و مزید ثروت و ترقی مملکت می‌باشد و هم فلاحی که در واقع معدن معتبر ایران است و با این استعداد آب و خاک اگر از روی قانون علمی استخراج این معدن می‌شد، اسباب هزارگونه ثروت می‌شد.^۹

قدرت اقتصادی، امنیت یک کشور را بالا می‌برد. اقتصاد خوب زمینه را برای قدرت نظامی بالا فراهم می‌کند و باعث می‌شود که ارتش خوب و تسلیحات زیاد فراهم تا امنیت مرزها از شرّ اجانب حفظ شود.

هیچ کدام از این دو خصیصه در دوره قاجار به خصوص در زمان جنگ‌های ایران و روس وجود نداشت.

او حفظ منافع را از تهدیدات استعمار منوط به خودکفایی و ترقی مسلمین می‌داند. او به خروج سرمایه ایرانی‌ها از کشور انتقاد می‌کند و می‌گوید:

اشخاص نروند پول‌های خودشان را در بانک‌های خارج بگذارند. این کار باعث می‌شود خارجی‌ها با این پول‌ها کار اقتصادی کنند و همان پول را به حکام ما قرض داده و امتیازات زیادی دریافت می‌کنند.^{۱۰}

شرکت اسلامیّه اصفهان در داخل و خارج شعباتی را دایر کرد و انعکاس زیادی در محافل داخلی و بین‌المللی داشت.

علمای نجف از جمله آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، آیه الله شریانی، آیه الله شریعت و آیه الله محدث نوری ضمن ارسال نامه‌هایی از حاج آقا نورالله تقدیر کردند. هم چنین اقدامات این شرکت در مجلاتی مثل ثریا، جبل‌المتین و حکمت انعکاس داشت و در مطبوعات خارج مثل الهلال مصر از آن تقدیر شد.

اعلامیه تاریخی بر ضد سلطه بیگانه و دفاع از تولیدات ایرانی

حاج آقا نورالله و برادرش آقا نجفی برای این که مردم را تشویق به خرید تولید داخل کنند و سلطه

اقتصادی بیگانه را کاملاً از بین ببرند، اعلامیه‌ای که خود رهبری آن را به عهده داشتند با همکاری دیگر علما صادر کردند:

این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهما امکن بعد ذلک تخلف ننماییم.

فعالاً پنج فقره است:

اولاً: قبالات و احکام شرعی از شنبه به بعد باید روی کاغذ ایران بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر نموده و اعتراف نمی‌نویسیم، قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیرایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم، ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه‌های دیگر ایرانی باشد متعهد شده‌ایم بر آن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوة بر آن میت بخواهند ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهما امکن هر چه بدلی آن در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوج نماییم و منسوج غیرایرانی را نپوشیم. و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیرایران را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایران بنماییم، تابعین ماها نیز کذلک و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد. آن چه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً: مهمانی‌ها، بعد ذلک ولو عیانی باشد چه عامه و چه خاصه، باید مختصر باشد، یک پلو و یک خورش و یک افشیره. اگر زاید بر این کسی تکلف دهد، ماها را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نماییم. هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم؛ زیرا که المسرفین - ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة) و حدیث (لا ضرر و لا ضرار) ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است، و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده.^{۱۱}

حاج آقا نورالله و امنیت فرهنگی

از ویژگی‌های حاج آقا نورالله، موضع‌گیری و عملکرد مناسب در موقعیت‌های مختلف بوده است. در ۱۵۹



مقابل استعمار و استبداد به مناسبت از مبارزه فکری، تحریم اقتصادی، افشاگری و در صورت لزوم اقدام مسلحانه می‌کرد. اما در موقعیتی که اقدام فرهنگی ضرورت داشته، از آن رویگردان نبوده، بدان می‌پرداخته است. از جمله فعالیت‌های او در زمانی که فعالیت تبلیغی مسیحیان در شرق گسترش یافته بود، تشکیل مجالس برخورد آرا و مناظره با مبلغان و رهبر آنها و ایجاد انجمن صفاخانه بود. با کوشش او و برادرش آقا نجفی و رکن‌الملک شیرازی در محله آرامنه اصفهان انجمن صفاخانه را تأسیس و با حمایت نامبردگان مجله **الاسلام** را منتشر و مناظره‌هایی بین مسیحیان و مسلمانان ترتیب داد.

تأثیر این اقدام فرهنگی تا آن‌جا ادامه می‌یابد که نسخه‌های مجله در لندن و بعضی پایتخت‌های اروپایی و هم‌چنین مصر، هند و حجاز، مورد استفاده در برخورد با آرای مسیحیان قرار می‌گیرد. اقدام سیاسی دیگر مرحوم آقا نورالله توجه به وحدت اسلامی و یک‌پارچه نمودن جامعه مسلمان در مقابل اجانب و استعمارگران بوده است. او بر روی وحدت شیعه و سنی خیلی تأکید می‌کرد و وحدت ایران و عثمانی را نوعی وحدت در مقابل قدرت‌های استعماری می‌دانست. مرحوم حاج آقا نورالله در مسافرتی که در سال ۱۳۲۹ به عراق داشت با علما دیدار کرد و طی اعلامیه‌ای خطوط سیاسی فکری وحدت اسلامی را این‌گونه تبیین نمود:

چون دیدیم که اختلافات فرقه‌های پنج‌گانه مسلمین، اختلافاتی که مربوط به اصول دیانت نیست موجب انحطاط دول اسلام و استیلای اجانب شده، به جهت حفظ کلمهٔ جامعه دینیه و دفاع از شریعت محمدیه فتاویٰ مجتهدین عظام که رؤسای شیعه جعفریه هستند و مجتهدین اهل سنت، اتفاق نموده و بر وجوب تمسک به حبل اسلام چنان چه خداوند عزوجل در آیه شریفه می‌فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا و اتفاق شد بر وجوب اتحاد مسلمین در حفظ بیضهٔ اسلام و نگاه‌داری جمیع مملکت‌های اسلامی از عثمانی و ایران از تشبّثات دول بیگانه و [...] متحد شد رأی ما جمیعاً برای حفظ حوزه اسلامی بر این که تمام قوت و نفوذ خود را بر این خصوص مبذول داریم^{۱۲}

با به قدرت رسیدن رضاخان، مذهب و ارزش‌های دینی به منزلهٔ نمادی از عقب ماندگی معرفی شد و واکنش‌هایی از طرف علما به همراه داشت. مرحوم حاج آقا نورالله از جمله کسانی بود که به این مهم دست زد و رضاخانی را که هدفش قدرت‌نمایی و دیکتاتوری و مبارزه با دین بود با چالش جدی مواجه کرد. مرحوم حاج آقا نورالله برای مقابله با رضاخان با تأسیس نوعی تشکیلات نیمه مخفی در پوشش اتحاد اسلام مبادرت ورزید. اهداف اتحاد اسلام دقیقاً مقابله با چیزی بود که رضاخان ماهیت

حکومت خود را بر اساس آن بنا نهاده بود و آن مقابله با نفوذ فرهنگ و اقتصاد و سیاست مغرب زمین در ایران بود.

مرام نامه اتحاد اسلامی عبارت است از:

۱. کوشش نمودن در ترویج احکام مذهب جعفری؛
 ۲. اهتمام در احقاق حقوق مظلومین و طرفداری از آنها؛
 ۳. احیای مدارس قدیمیه؛
 ۴. جدیت در ترک منهیات؛
 ۵. ضبط کتب حقه و طرد کتب ضاله؛
 ۶. ترویج و تشویق اهل علم و اهل صنعت؛
 ۷. توسعه دادن به امتعه و البسه وطنی و عدم شراء از خارجه به مقدار مقدور؛
 ۸. مساعدت و همراهی با کلیه هیئات متحده و احزاب دینی در مقاصد مشروع آنها؛
 ۹. جدیت نمودن در ترقی معارف حقه؛
 ۱۰. سعی در اجرای احکام شرع؛
 ۱۱. اقدام نمودن در شرایع اسلام؛
 ۱۲. اقدام و سعی نمودن در ترقی مملکت.
- در مرام نامه اتحاد اسلامی به خوبی، تمام امور و اصول یک مملکت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و نیز استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک مملکت اسلامی مورد تأکید واقع شده است.

مدرس و امنیت ملی ایران

مدرس در تحولات سیاسی ایران عصر خود نقش اساسی داشت. او در ادوار مختلف تقنینه شرکت فعال داشت و به نمایندگی مردم در مجلس سخنرانی کرد. او و امام جمعه خوئی، اصول و تشکیلات عالیه و محاضر شرعیه و صلحیه تهیه شده توسط مقامات قضایی کشور را پس از ملاحظه و مطابقت با شرع، تأیید و تصدیق می کردند. وی در این زمان به دفاع از مصالح کشور و استقلال آن و هم چنین پاسداری از حریم مجلس و قانون و مخالفت با دخالت قوه مجریه در امور مربوط به قوه مقننه تلاش زیادی کرد.^{۱۳}

مدرس با کودتای انگلیسی سیدضیاء به مخالفت برخاست و در نهایت به قزوین تبعید شد و با دیکتاتوری رضاخان و عوامل آن به ستیز برخاست.

مدرس هم چنین بر وجود مجلس قوی و کارآمد تأکید داشت و هم چنین بر توجه به رعایت قانون و



تفکیک قوا و ممانعت از ایجاد مزاحمت برای مردم تأکید می‌کرد. مدرس، مردم و نمایندگان کشور را به وحدت اصولی و پرهیز از اختلاف و دسته بندی دعوت می‌نمود.
مرحوم مدرس سیاست را با دیدگاه خود تعریف می‌کند و معتقد است که ایرانیان باید این گونه باشند:

سیاست ما ایرانی‌ها باید سیاست بز کوهی باشد. سیاست بز کوهی آن است که همیشه بین الطوعین چرا می‌کند که به قدری روشن باشد که علف را ببیند، اما به قدری روشن نباشد که صیاد او را صید کند. ما ایرانی‌ها هم باید سیاست‌مان طوری باشد که زندگی کنیم، اما صیاد او را صید نکند.^{۱۴}

یکی از موضوعات کلیدی اندیشه مرحوم مدرس بحث سیاست خارجی به شمار می‌رود که آن را تحت عنوان سیاست موازنه عدمی بیان می‌کند. در این زمانه دو قدرت روس و انگلیس که در ایران به دنبال منافع خود بودند منافع ملی این کشور را مورد تاخت و تاز و ثروت ملی کشور را مورد تاراج قرار دادند.

مدرس در سال ۱۳۰۲ طی نطقی تاریخی در مجلس شورای ملی، سیاست توازن عدمی را عنوان نمود. سیاست موازنه عدمی مدرس هرگونه سلطه و قدرت خارجی را در ایران محکوم نمود تا موجبات رشد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت ایران را فراهم سازد. با به قدرت رسیدن رضاشاه قیام‌های متعددی در اطراف و اکناف به راه افتاد. از قیام میرزا کوچک‌خان و شیخ محمد خیابانی تا تظاهرات درون شهری همه یکی پس از دیگری توسط دیکتاتور و حامیان بیگانه‌اش سرکوب شدند. اما مدرس که یکی از مخالفان جدی رضاخان بود، در مجلس سازمان اقلیت مخالفت با رضاخان را به عهده گرفت و رهبری فراکسیون اقلیت را با آگاهی کامل به امور سیاسی کشور بر عهده گرفت و دولت رضاخان را مکرر استیضاح می‌کرد.

شهید مدرس ندا سر می‌دهد که روابط ما با کشورها چه همسایه و چه غیر همسایه اعم از مسلمان و غیرمسلمان بر پایه روابط حسنه و صلح و صفاست و هیچ‌گونه جنگی با هیچ کشوری نداریم. در عینی که خواستار روابط حسنه هستیم به کسی اجازه سلطه نمی‌دهیم.

مدرس بر اساس آیه شریفه: *لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا* معتقد بود که کفار نباید در هیچ یک از ابعاد زندگی ایرانیان سلطه و برتری داشته باشند و نفی سلطه به معنای اعم آن سلطه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی را شامل می‌شود.

مدرس در باب روابط با دول بیگانه چنین می‌گوید:

منشأ سیاست ما دیانت ماست. ما با تمام دنیا دوستیم، مادامی که متعرض ما نشده‌اند هر

کس متعرض ما شود متعرض او خواهیم شد. همین مذاکره را با مرحوم صدراعظم شهید عثمانی کردم. گفتم اگر کسی بدون اجازه ما وارد سر حد ایران شود و قدرت داشته باشیم او را با تیر می‌زنیم. خواه کلاهی باشد خواه عمامه‌ای باشد و خواه شاپو بر سر داشته باشد. دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ماست.^{۱۵}

مدرس در عین این که به دین اهمیت زیادی می‌داد ولیکن با مدرن شدن مخالفت نمی‌کرد. مدرن شدن بدین معنا که یادگیری علوم و فنون را لازم می‌دانست.

او عزت مسلمین و منافع مسلمین را در نفی سلطه می‌داند، در عین این که روابط حسنه را با تمام دول جهان نفی نمی‌کند. اما در جهت حفظ بیضه اسلام و منافع و امنیت مسلمین نهایت سعی و تلاش خود را به کار برد و همین سیاست، شجاعت و دلیری و راسخیت او در بیان، کلام و مبارزه او بود که در راه دین و امنیت این سرزمین به شهادت رسید.

به عقیده مرحوم مدرس نیل به خودکفایی و دست یابی به استقلال فرهنگی و اقتصادی جز در سایه اعمال سیاست توازن عدمی و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های استعماری شرق و غرب میسر نیست و بر این نکته تأکید دارد که توازن عدمی را نسبت به همه دولت‌ها رعایت کنیم.

مدرس در این باره می‌گوید:

ما را بگذارید که صلاح و فساد خودمان را می‌دانیم. من مناسب نمی‌بینم که دولت‌ها دوست‌های خصوصی پیدا کنند. یکی تعریف ما می‌کند یکی مذمت. من اگر خوبم اگر بد، تو برو خود را باش، من که با همه خوبم. هیچ دوست ندارم که یک دولتی چه در این جا و چه در مرکز خود، تعریف مرا بکند. من اگر خوبم برای خودم و اگر بدم برای خودم هستم. من دوست ندارم که یکی از این دولت‌ها اظهار تمایل به یکی از رجال ما بکند. من از هر دولتی که بخواهد دخالت در امور بکند می‌ترسم و باید توازن عدمی را نسبت به همه مراعات کرد. نه توازن وجودی، یعنی شما برای خودتان ما هم برای خودمان.^{۱۶}

یکی از مصادیق مخالفت با موازنه وجودی و اعتقاد به موازنه عدمی شهید مدرس را می‌توان

مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ دید:

قرارداد منحوسی، یک سیاست مضر به دیانت اسلام، مضر به سیاست بی طرفی ما بود. کابینه و ثوق الدوله خواست ایران را رنگ بدهد. اظهار تمایل به دولت انگلیس کرد. بر ضداو، ملت ایران قیام نمود. حال هم هر کسی تمایل به سیاستی نماید ما، یعنی ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود. چه رنگ شمال داشته باشد و چه رنگ جنوب و چه رنگ آخر دنیا.^{۱۷}



می‌کرد امور مملکت بر اتحاد و به دور از اختلاف حل شود. اگر چه نقد و انتقاد سازنده و به دور از غرض‌ورزی را می‌پذیرفت ولکن به این مسئله واقف بود که بیگانگان از عدم اتحاد و تفرقه بین ایرانیان نهایت استفاده را خواهند برد او در جلسه ۲۰۲، حفظ کشور و مجلس راموقوف بر کلمه جامعه اتحاد، یعنی اتحاد در غرض نه اتحاد در سلیقه می‌داند. او در تفسیر آن می‌گوید:

البته جماعتی از عقلا سلیقه شان در مطالب مختلف است، اما در غرض یکی است. باید حفظ آن مرتبه را کرد.^{۱۸}

پس سلیقه‌ها مختلف است ولکن باید هدف و غرض را جهت حفظ کشور و مصالح ملی دانست. اما در همین زمان مخالفین مدرس ضمن سنگ اندازی، هدفی جز نابودی چهره‌های دلسوز ملت نداشتند و هدفشان منافع فردی و بیگانه بوده است.

اصول سیاست خارجی او مبنی بر:

۱. تعقیب اصول دوستی با تمام دول خصوصاً دولت‌های همسایه؛ او در مورد رابطه با دول اسلامی معتقد است، به علت این که به لحاظ فرهنگی، اجتماعی به هم نزدیک هستیم باید روابط حسنه خاصه با آنها پیدا کنیم و اگر حسن روابط به یکی زیادتر باشد ضرر ندارد و دلیل نظر سوء نیت بر دیگران نیست؛^{۱۹}

۲. پرهیز و مخالفت از برقراری دوستی بر اساس روابط یک طرفه؛

۳. پرهیز از تشنج در روابط با سایر کشورها؛

۴. ابراز خصوصیت بیشتر به کشورهای اسلامی؛

۵. عدم رنگ‌پذیری و سلطه‌پذیری؛ مرحوم مدرس بر این نکته خیلی تأکید می‌کرد. سلطه بیگانه بر این کشور را مغایر با آیه قرآن *وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً* می‌دانست؛

۶. کوشش جهت حل تضادهای غربی که ایران را آلت دست خود قرار دادند؛

۷. رعایت موازنه عدم در سیاست خارجی؛

۸. مسدود ساختن طرق ایجاد توقعات نامشروع نسبت به کشور از راه ایستادگی و مقاومت.

مدرس و امنیت قضایی

برای برقراری همه جانبه امنیت در اجتماع، به دستگاه قضایی هوشیاری نیاز است که بتوان قوانین قضایی را پیاده کرد. قضاوت دادگستر و تلاش گر زمانی نقش خود را ایفا می‌کند که به قوانین و نظام دادگستری متکی باشد تا بتواند خود را با جریانات جامعه و آن چه آزادی فرد و سلامتی جامعه را تضمین می‌کند هماهنگ باشد. و نیز هماهنگی با قوانین و نظام قضایی زمانی تحقق می‌یابد که

شهروندان، آنها را با جان و دل پذیرا باشند و آن قوانین و نظام را ابزاری برای برداشتن ظلم و انحراف بدانند.

البته در اسلام، قاضی شروطی دارد و نحوه برخورد او با متهمین هم باید بر اساس شروطی باشد. عدالت، برابری و تساوی افراد در برابر قانون مکرراً در روایات اسلامی ذکر شده است. در جلسه ۳۳ مورخه سی ام مهر ۱۳۰۰ راجع به برنامه اصلاحات دولت در امر قضاء، مدرس پس از اشاره به همکاری خود با میرزا حسن خان مشیرالدوله و جمعی دیگر جهت تهیه و تدوین قانون برای عدلیه از جمله قانون محاکمات و ذکر این نکته که ماهیت مسائل حقوقی و جزایی همان است که در قانون هست و امکان ندارد به قدر یک خشخاش از آن کم یا زیاد بشود.^{۲۰} راجع به کیفیت اجرای آن می‌گوید:

وضعیات دنیا ما را متنبه کرد که کیفیات اجرا و طرز اداره باید به وضع سایر نقاط دنیا باشد. که مردم بگویند ما هم داخل در تمدن شده‌ایم. البته باید کیفیت جریان اداره را مثل سایر دنیا و بلکه اکمل کنیم.^{۲۱}

مدرس می‌خواهد محاکم و حقوق بر اساس حقوق اسلامی باشد و اظهار می‌دارد که: برای این که آنها از تربیت قاضی اروپا مستحضرند، و ما هم از قواعد مذهبی خودمان.^{۲۲} او می‌گوید با حقوق و قانون غرب نمی‌شود در ایران قضاوت کرد. و در صورتی که قانون غرب را در ایران پیاده کنیم از حقوق اسلامی خودمان فاصله می‌گیریم، در حالی که قانون ما قانون تام و اکملی است که نیاز به قانون دیگران ندارد. پس هدف آنها از وضع قانون غرب در اسلام، سلطه قانون آنها بر ایران است. قضاوت در این مملکت، علم حقوق همین مملکت را می‌طلبد و لا غیر. او می‌گوید:

قاضی باید عالم به حقوق مملکت و مجتهد باشد قانون اداری هم بدانند....^{۲۳}

مدرس و امنیت اقتصادی

شهید مدرس تهدیدات اقتصادی کشور را ناشی از داخل و خارج می‌داند. وی در نطق‌های خود به کسانی که واردات کالاهایی که از خارج وارد می‌شود و فی نفسه سودی برای مملکت ندارد، می‌تازد. او اظهار می‌دارد:

باید پولی که بابت خرید مشروبات الکلی از مملکت خارج می‌شود صرف خرید کارخانجات شود. امروزه جنگ از زمین و هوا رفته باید کارخانه هواپیماسازی و توپ ریزی دایر کنیم. به علاوه اگر من باب ضرورت و دارو کسی باید بخورد، ما که داریم و خوش را هم داریم، چرا

نجسی‌های (مشروبات الکلی) خارجی را بخورد.^{۲۴}

مدرس در نطق دیگری اظهار می‌دارد:

روزی خواهد رسید که برای شیر و پنبه و پشم و پوست که از صادرات کنونی ما است، گردن ما

به جانب خارج کج باشد. و دست حاجت به سوی آنان دراز کنیم.^{۲۵}

از ویژگی‌های شهید مدرس پیش بینی آینده بود. او اقتصاد کشور را در خطر می‌بیند و مسئولین را

تشویق به خودکفایی و امنیت اقتصادی می‌کند و داشتن کارخانه‌های هواپیما سازی، اسلحه سازی

و... را برای آینده کشور ضروری و لازم می‌داند.

مدرس و امنیت فرهنگی

شهید مدرس از امنیت فرهنگی و تهدیداتی که متوجه آن است هم سخن گفته است. او

تهدیداتی را که متوجه ارزش‌های حاکم بر جامعه است از ناحیه غربی‌ها می‌داند و با درایت آینده این

خطر را به احمد شاه خبر داد.

او اظهار می‌دارد:

در رژیم نویی که نقشه آن را برای ایران بی‌نوا طرح کرده‌اند نوعی از تجدد به ماداده می‌شود

که تمدن مخربی را با رسواترین قیافه تقدیم نسل‌های آینده خواهند نمود و آن روز

فراخواهد رسید که چوپان‌های قریه‌های ورامین و کنگاور با فکل و کروات خودنمایی

می‌کنند. ممکن است شمار کارخانه نوشابه سازی روزافزون گردد، اما کوره آهنگری و کاغذ

سازی پا نخواهد گرفت.

درهای مسجد و تکایا به عنوان منع خرافات و اوهام بسته خواهد شد. اما سیل‌ها از رمان‌ها و

افسانه‌های خارجی به وسیله مطبوعات و پرده‌های سینما به این کشور جاری خواهد گشت و

عقاید و اندیشه‌های پوچ را به عنوان فرهنگ غربی آن هم با رقص و آواز و دزدی‌های

عجیب ارسن لوپن و بی‌عفتی‌ها و مفاسد اخلاقی دیگر به ما تحمیل خواهند کرد و اینها را

لازمه تمدن غربی می‌دانند.^{۲۶}

نطق‌های شهید مدرس در دوره پهلوی به اوج خود رسید. فرهنگ غربی جای‌گزین فرهنگ

دینی شد.

شهید مدرس بر امنیت فردی و حقوق فردی مردم تأکید زیادی داشت. او فلسفه وضع قانون را،

آسایش خلق در امور زندگی می‌دانست.



پی‌نوشت‌ها

۱. موسی نجفی، اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله: (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۸) ص ۹.
۲. همان، ص ۱۳.
۳. غلام حسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطیت، رساله مقیم و مسافر، ص ۴۴۵.
۴. نجفی، پیشین، ص ۱۵.
۵. همان، ص ۱۶.
۶. همان.
۷. همان.
۸. همان.
۹. همان، ص ۱۷.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ص ۱۲۹.
۱۲. همان، ص ۱۹.
۱۳. محمد ترکمان، آراء، اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، (مرکز خدمات فرهنگی سالکان، چاپ اول، سال ۱۳۷۴) ص ۲۰.
۱۴. حسین مکی، مدرس قهرمان آزادی، (تهران: انتشارات ترجمه و نشر کتاب، سال ۱۳۵۸) ص ۲۰۹.
۱۵. رضا عیسی‌نیا، مجله علوم سیاسی، شماره سال ۱۳۷۹، ص ۲۰۹.
۱۶. همان، ص ۲۱۰.
۱۷. همان.
۱۸. ترکمان، پیشین، ص ۲۹.
۱۹. همان، ص ۵۸.
۲۰. همان، ص ۶۴.
۲۱. همان.

۲۲. همان، ص ۶۵.

۲۳. همان.

۲۴. مدرسی، پیشین، ص ۱۸۰.

۲۵. همان.

۲۶. همان.



سال نهم / شماره سی و چهارم / تابستان ۸۵